سازمان رهبرى شيعه در عصر غيبت صغرى

 محمد رضا جبارى

دوران غيبت صغري‏ با ويژگي‏هايي از ادوار پيشين و پسين خود، باز شناخته مي‏شود. از جمله مهم‏ترين وجوه تمايز اين دوران با دوره‏هاي پيشين - يعني عصر حضور ائمه‏عليهم السلام در رأس جامعه‏ي شيعه - محروم ماندن شيعيان از فيض حضور آشكار امام‏عليه السلام در متن جامعه است.

 تا سال 260 ه. ق. شيعيان، به جز در زمان‏هايي كه امامان شيعه‏عليهم السلام در زندان به سر مي‏بردند يا در خانه‏ي خود زير نظر بودند، آزادانه با آنان ارتباط داشتند و به طور مستقيم از هدايت و فيض معنوي آنان بهره‏مند مي‏گشتند. دراين سال با شهادت امام حسن عسكري‏عليه السلام، به ناگاه شيعيان با وضع پيش بيني نشده‏اي روبه‏رو شدند. آنان به يك باره، امام خويش را در پس پرده‏ي غيبت يافتند. به طور طبيعي، نخستين پرسش و چشم‏داشت شيعيان در شرايط جديد، اين بود كه چگونه مي‏توانند با امام خويش، ارتباط برقرار كنند و چاره‏ي مشكل‏هاي خويش را از او بجويند.

 اين پرسش بي پاسخ نماند و در نخستين فرصت پس از آغاز غيبت صغري‏، راه دست يابي به امام‏عليه السلام و چگونگي ارتباط با او در شرايط پديد آمده، به آگاهي گروهي از شيعيان رسيد. يكي از روايت‏هاي تاريخي بر جا مانده از آن دوره كه بر مدعاي ياد شده، دلالت دارد، گفته‏ي شيخ صدوق درباره‏ي گروهي از شيعيان قم است. آنان مانند هميشه، براي ديدار با امام عسكري‏عليه السلام و تقديم هديه‏هاي مالي و وجوه شرعي و نامه‏هاي حاوي سؤالات شيعيان قم، به سامراء رفته بودند. اين گروه در سامراء با شهادت امام يازدهم‏عليه السلام و ادعاي دروغين امامت از سوي جعفربن علي الهادي - برادر امام عسكري‏عليه السلام - روبه‏رو شدند. چون جعفر - كذاب - نتوانست نشانه‏هاي لازم براي اثبات امامت خويش را به آنان ارايه دهد، پس از سرگرداني و گذر از مشكلاتي، راه بازگشت در پيش گرفتند. همين كه به بيرون شهر سامراء رسيدند، پيك امام دوازدهم(عج) با آنان ديدار كرد. بدين ترتيب، آنان به درك فيض ديدار با آن بزرگوار موفق شدند. آن حضرت در همين ديدار به گروه قمي‏ها فرمود كه از آن پس براي ديدار يا انجام امور مربوط به امام‏عليه السلام، ديگر به سامراء نروند؛ زيرا ايشان براي انجام امور ياد شده، نماينده‏اي در بغداد خواهد گمارد.(1)

 گذر زمان نشان داد كه نماينده‏ي گمارده شده در بغداد، همان ((عثمان بن سعيد عمري))؛ نخستين سفير و نايب ناحيه‏ي مقدّسه در دوران غيبت صغري‏ است كه جامعه‏ي شيعه را حتي در دورترين سرزمين‏هاي شيعه نشين جهان اسلام، رهبري مي‏كرد.(2)

 ((عثمان بن سعيد عمري)) ادامه دهنده‏ي راهي بود كه سال‏ها پيش از دوران غيبت صغري‏ و از سوي امام صادق‏عليه السلام آغاز شده بود.(3) ((عثمان بن سعيد عمري))، در رأس آن قرار داشت، سازماني پنهاني با هدف‏هاي مشخص بود كه از آن با نام ((سازمان يا نهاد وكالت)) و يا ((نظام الاموال والوكلاء)) ياد مي‏شود.(4)

 هدف اصلي و زمينه‏هاي پيدايش سازمان وكالت‏

بي ترديد يكي از هدف‏هاي اين سازمان، پديد آوردن مجموعه‏اي از وكيلان با برنامه‏اي حساب شده بود تا زير نظر وكيلاني برتر (وكيل ارشد يا سر وكيل)(5) در گوشه و كنار جهان اسلام، به ويژه در سرزمين‏هايي كه شمار شيعيان بيشتر بود، به فعاليت بپردازند. اين سازمان، نقش شبكه‏ي ارتباطي را بين شيعيان و مركز استقرار رهبري شيعه ايفا مي‏كرد.

 پيش زمينه‏هاي پيدايش و گسترش جريان وكالت پس از امام صادق‏عليه السلام را مي‏توان اين‏گونه برشمرد: دوري مناطق شيعه نشين از مركز استقرار ائمه‏عليهم السلام، وجود جوّ خفقان، دشوار بودن ارتباط مستقيم امامان‏عليهم السلام با شيعيان، دسترسي نداشتن شيعيان به امامان به دليل حبس، شهادت يا غيبت، و بالاخره آماده سازي شيعيان براي پذيرش شرايط ويژه‏ي دوران غيبت.

 امامان شيعه‏عليهم السلام بسيار كوشيده بودند با تبيين جريان صحيح مهدويّت، ذهن شيعيان را براي پذيرش اصل غيبت آماده‏تر سازند.با اين حال، شيعيان پس از شهادت امام يازدهم‏عليه السلام، به دليل غيبت فرزند ايشان و محروم ماندن از درك حضور مستقيم و آشكار امام،سرگردان شدند ؛ زيرا آنان نزديك به دو و نيم قرن از نعمت امام حاضر بهره‏مند بودند،پس به طور طبيعي، آن‏گاه كه امام معصوم، در ميان شيعه، حضوري آشكار ندارد، بايد جانشيني برگزيند و شيعيان را به سوي او رهنمون شود.

 اين جايگزين، همان سفير، نايب يا باب حضرت حجت (عج) در دوران غيبت بود. نشانه‏هايي در دست است كه شيعيان هنگام رويارويي با شرايط جديد و پس از نااميدي از درك حضور امام‏عليه السلام، در جست‏وجوي باب يا سفير آن حضرت بوده و گاه براي شناسايي سفير راستين و واقعي امام عصرعليه السلام، نماينده‏اي را به بغداد يا سامراء گسيل مي‏داشتند. البته در همه‏ي اين موارد، امداد ناحيه‏ي مقدسه به ياري اين نمايندگان آمده و آنان را به سوي مطلوب خويش راهنمايي مي‏كرد. براي نمونه، افزون بر جريان ياد شده درباره‏ي گروه قمي‏ها - وفد قميّين - به جريان‏هاي ((حسن بن نضر قمي))،(6) ((محمدبن ابراهيم بن مهزيار اهوازي))(7) و ((ابوالعباس احمد دينوري))(8) نيز مي‏توان اشاره كرد.

 ادعاهاي دروغين نيابت‏

 با آغاز دوران غيبت صغري‏، برخي به دروغ و با انگيزه‏هاي خيانت كارانه، مدّعي نيابت و بابيّت حضرت حجّت (عج) شدند. ازاين رو، شيعياني كه در سرزمين‏هاي دور از بغداد (مركز استقرار سفير ناحيه‏ي مقدسه) مي‏زيستند، براي شناسايي سفير راستين از سفيران دروغين، به امداد ناحيه‏ي مقدسه نيازمند بودند.

 از جمله كساني كه در دوران غيبت صغري‏، دعوي دروغين سفارت و بابيّت را سر دادند به اين افراد مي‏توان اشاره كرد: اسحاق احمر،(9) باقطاني،(10) ابومحمّد شريعتي،(11) محمدبن نصير نميري،(12) احمدبن هلال كرخي عبرتائي،(13) محمد بن علي بن بلال،(14) ابوبكر بغدادي،(15) ابودلف مجنون،(16) حسين بن منصور حلاّج(17) و ابوجعفر شلمغاني.(18)

 البته امام و سفيران راستين او نيز براي مقابله با اين مدعيان دروغين، شيوه‏هاي مناسبي را در پيش مي‏گرفتند. گاه مقايسه‏ي وضعيت ظاهري مدعيان دروغين با سفير راستين حضرت، سبب مي‏شد مردم به ادعاي دروغين آنان پي ببرند. براي نمونه، احمد دينوري هنگامي كه وارد بغداد شد، با ادعاي نيابت از سوي سه تن روبه‏رو گشت. يكي از آنان ((ابوجعفر محمدبن عثمان بن سعيد عمري)) و دو تن ديگر، ((اسحاق احمر)) و ((باقطاني)) بودند. او به منزل هر سه تن رفت. ابوجعفر عمري، فردي فروتن بود كه منزلي كوچك و سلوكي همانند سلوك ائمه‏عليهم السلام داشت؛ اما، دو تن ديگر داراي خدمت كاران فراوان و خانه‏هاي گران قيمت بودند. دينوري با ديدن و مقايسه‏ي وضعيت اين دو تن با وضعيت سفير حضرت، در راستين بودن ادعاي آن دو، دچار ترديد شد و سرانجام با ارشادهاي ناحيه‏ي مقدسه، به راستين بودن سخن ابوجعفر عمري، يقين پيدا كرد.(19)

 در مواردي نيز، سفير ناحيه‏ي مقدسه در محفل مدعي سفارت حاضر مي‏شد و به شيوه‏اي، از وي نسبت به دروغ بودن ادعايش اقرار مي‏گرفت. براي نمونه، ((ابوطاهر محمدبن علي بن بلال)) يكي از كساني بود كه به دروغ، ادعاي بابيّت كرد. روزي ابوجعفر عمري به محفلي كه او و شماري از پيروانش در آن حاضر بودند، رفت و خطاب به او گفت: ((آيا صاحب الزمان به تو امر نكرد كه اموال را به من تحويل دهي؟)) و او در حالي كه رنگ باخته بود، چاره‏اي جز اقرار نديد! و همين مسأله، سبب بازگشتن برخي از پيروانش از پيروي او گرديد.(20)

 يكي ديگر از راه كارهاي مقابله‏ي ناحيه‏ي مقدّسه با ادعاهاي دروغين نيابت و بابيّت در دوران غيبت صغري‏، اعلام لعن مدّعي دروغين به وسيله‏ي توقيع‏هايي بود كه به واسطه‏ي سفيران و نايبان راستين حضرت به دست شيعيان مي‏رسيد. گاه حضرت به دليل جايگاه ويژه‏ي فرد مدّعي، ناگزير مي‏شد دو يا سه بار اعلام لعن و افشاي ماهيت مدّعي دروغين را تكرار كند؛ دراين باره، به ((احمدبن هلال كرخي عبرتائي)) مي‏توان اشاره كرد؛ زيرا وي سابقه‏ي وكالت براي امام هادي‏عليه السلام و امام عسكري‏عليه السلام را داشت و فردي صوفي مسلك و به ظاهر دين دار بود، و 54 سفر حجّ انجام داده بود كه بيست بار آن را با پاي پياده بوده است!(21)

 نقش ارتباطي محورهاي فعاليت نايبان چهارگانه و كارگزاران آنان‏

 شيعيان در دوران غيبت صغري‏ به دلايل گوناگون نزد نايبان يا وكيلان ناحيه‏ي مقدّسه مراجعه مي‏كردند. متعارف‏ترين دليل مراجعه به وكيل در طول دوران فعاليت سازمان وكالت از زمان امام صادق‏عليه السلام تا پايان دوران غيبت صغري‏، پرداخت وجوه شرعي و هديه‏ها و نذرهاي مردمي بود. البته كار وكيلان به اين مورد، منحصر نمي‏شد. شواهد نشان مي‏دهد كه آنان ((نقش ارتباطي)) ميان مردم و امام را داشته‏اند. آنان نامه‏ها، پيام‏ها، پرسش‏ها و مشكلات فردي يا عمومي شيعيان را به محضر امامان‏عليهم السلام مي‏رساندند و پس از دريافت پاسخ، آن را به افراد ابلاغ مي‏كردند. اين نقش ارتباطي در دوران غيبت صغري‏ به دليل غيبت امام‏عليه السلام، جايگاه مهم‏تري يافت؛ زيرا سفير ناحيه‏ي مقدسه در اين دوران، تنها راه ارتباطي شيعيان با وجود شريف حضرت مهدي (عج) بود. البته در موارد نادري، تماس‏ها به وسيله‏ي پيك‏هاي ويژه‏ي آن حضرت برقرار شده است كه به يك نمونه از آن در ماجراي ((وفد قميّين)) اشاره كرديم.

 توقيع نويسي؛ معمول‏ترين شيوه‏ي ارتباطي رهبري شيعه در دوران غيبت صغري‏

 يكي از معمول‏ترين راه‏هاي ارتباط با ناحيه‏ي مقدسه در دوران غيبت صغري‏، ((توقيع))هاي صادر شده از سوي ناحيه‏ي مقدسه براي شيعيان بود. ((توقيع))، نوشته‏اي بود كه در لابه لاي سطور يا در ذيل آن‏ها، در پاسخ به پرسش‏ها مي‏آمد. گاهي نيز توقيع بي آن‏كه پاسخ به پرسش پيشين باشند، از سوي ناحيه‏ي مقدّسه صادر مي‏شد. البته صدور همين توقيع‏ها نيز در راستاي زدودن مشكلي در جامعه‏ي شيعي آن روزگار بوده است. توقيع‏هاي ناحيه‏ي مقدّسه در بيشتر موارد از راه نايبان چهارگانه به دست شيعيان مي‏رسيد. امّا در برخي موارد، بعضي وكيلان برجسته نيز اين صلاحيت را يافتند كه واسطه‏ي صدور توقيع باشند. از آن جمله به ((محمدبن جعفر اسدي رازي))؛ وكيل برجسته‏ي ناحيه‏ي مقدسه در منطقه‏ي ري(22) و ((قاسم بن علاء آذربايجاني))؛ وكيل ناحيه‏ي آذربايجان(23) مي‏توان اشاره كرد.

 درون مايه‏ي توقيع، يكي از موارد زير بود: رفع اختلاف‏ها، ترديدها و شبهه‏هاي موجود در جامعه‏ي شيعي،(24) اعلام نصب وكيلان به وكالت،(25) اعلام عزل وكيلان خيانت پيشه،(26) اعلام لعن مدعيان دروغين نيابت و بابيّت،(27) پاسخ به پرسش‏هاي شرعي،(28) حل مشكلات خصوصي شيعيان مانند مشكلات خانوادگي،(29) دستور عمل به وكيلان.(30)

 بي ترديد، ساختار وكالت و نيابت در كنار دو نقش ياد شده، نقش ارشاد، هدايت و راهنمايي شيعيان را نيز برعهده داشته است. به عبارت ديگر، وظيفه‏ي اصلي سفيران و وكيلان ناحيه‏ي مقدسه، ارشاد شيعيان به سوي مسير اصيل امامت و رهايي بخشيدن آنان از سردرگمي در غوغاي شيطنت‏هاي فرمان‏روايان عباسي، ادعاهاي مدعيان دروغين نيابت و خيانت برخي ياران پيشين ساختار نيابت بود.

 خرق عادت در جريان هدايت‏

 هدايت و ارشاد مردم، همواره به صورت عادّي نبوده، بلكه در صورت نياز، به امر و عنايت ناحيه‏ي مقدّسه، برخي خرق عادت‏ها نيز به وسيله‏ي سفيران و نايبان ناحيه‏ي مقدسه انجام گرفته است. ابوجعفر عمري در يك ماجرا، با خرق عادت، از محلّ پارچه‏ي گم شده‏اي به يكي از شيعيان خبر مي‏دهد!(31) هم‏چنين حسين بن روح نوبختي به نامه‏اي نانوشته، كه صفحه‏اي سفيد بيش نبوده و پرسش تنها در ذهن صاحب نامه بوده است، پاسخ مي‏دهد!(32) علي بن محمّد سمري نيز در بغداد از وفات علي بن بابويه قمي در قم خبر مي‏دهد كه بعد آشكار مي‏شود كه ابن بابويه در همان تاريخي كه سفير چهارم خبر داده بود، رحلت كرده است!(33) ده‏ها نمونه از اين گونه خرق عادت‏ها را در لابه لاي متن‏هاي تاريخي مي‏توان جست.

 نهان كاري؛ اصل حاكم بر ساختار رهبري شيعه در دوران غيبت صغري‏

 هم‏چون دوره‏هاي پيشين، ((اصل تقيه و نهان كاري)) بر ساختار رهبري كننده‏ي شيعه در دوران غيبت صغري‏ حاكم بود. از اين رو، برخي پژوهش‏گران، نام ((سازمان زير زميني)) يا ((التنظيم السرّي)) را براي اين نهاد برگزيده‏اند.(34) اين اصل در دوران غيبت صغري‏ با شدّت هر چه تمام‏تر رعايت مي‏شد. به طور كلي، يكي از شرايط گزينش سفير و باب از سوي ناحيه‏ي مقدسه، داشتن توانايي فراوان بر پرده‏پوشي و نهان كاري بود. اين نهان كاري در برخي بُرهه‏هاي زماني كه اختناق، شديدتر و خطر محسوس‏تر مي‏شد، افزايش مي‏يافت. براي نمونه، نهان كاري سفير دوّم به گونه‏اي بود كه وي براي رساندن مضمون توقيع مبارك ناحيه‏ي مقدسه كه دربردارنده‏ي دستورهايي به يكي از دستياران مشهور سفير، يعني ((جعفربن محمدبن متّيل قمي)) بود، او را به خرابه‏ي عبّاسيه‏ي بغداد برد، آن گاه با نشان دادن توقيع مبارك، جعفر را از دستورهاي موجود در آن آگاه ساخت، سپس توقيع را پاره پاره كرد تا اثري از آن باقي نماند!(35)

 در همين راستا، شدت نهان كاري و تقيّه‏ي سوّمين سفير حضرت، زبانزد جامعه‏ي شيعه بوده است.(36) روزي يكي از شيعيان از ابوسهل نوبختي مي‏پرسد: چرا ناحيه‏ي مقدسه با وجود جايگاه رفيع علمي و اجتماعي تو، ابن روح را به نيابت برگزيده است؟ او در پاسخ مي‏گويد: درجه‏ي راز نگهداري ابن روح چنان بالا است كه اگر او، حضرت حجّت (عج) را پنهان كرده باشد، حتي در صورت قطعه قطعه كردن بدنش با قيچي، سخني نمي‏گويد!(37)

 در پيشبرد كار اين سازمان پنهاني، گاه امدادهاي معجزه آساي حضرت حجت‏عليه السلام نيز بسيار گره گشا بوده است. براي نمونه، در دوران سفارت ((محمدبن عثمان بن سعيد عمري))، حكومت وقت از برخي از فعاليت‏هاي پنهاني اين سازمان آگاه شد، بنابراين، كساني را به عنوان شيعياني كه قصد پرداخت وجوه شرعي دارند، نزد افرادي فرستاد كه در مظانّ اتهام وكالت قرار داشتند. يكي از وكيلاني كه با اين جاسوسان روبه‏رو شد، ((محمدبن احمد بن جعفر قطّان قمّي)) بود. البته چون با آغاز اين توطئه، ناحيه‏ي مقدسه در توقيعي، همه‏ي وكيلان را تا اطلاع بعدي از دريافت هرگونه وجهي منع كرده بود، وكيل ياد شده نيز منكر وكالت خود شد و هيچ وجهي از آن جاسوس دريافت نكرد! اين وضعيت تا رفع كامل خطر برقرار بود.(38)

 نقش امام عصر (عج) در گزينش نايبان و كارگزاران آنان‏

 جريان گزينش نايبان چهارگانه به عنوان هدايت گران جامعه‏ي شيعه، و وكيلان سرزمين‏هاي شيعه نشين، به عنوان كارگزاران ساختار رهبري كننده‏ي شيعه در دوران غيبت صغري‏، به طور مستقيم از سوي ناحيه‏ي مقدسه، صورت مي‏گرفت(39). پايدار ماندن اين سازمان و ادامه‏ي منظم روند امور و حفظ جامعه‏ي شيعه و دستگاه رهبري كننده‏ي آن دربرابر خطر دشمن، اقتضا مي‏كرد كه كارگزاراني زُبده و مورد اطمينان براي اين كار، برگزيده شوند.

 گستره‏ي جغرافيايي نظارت و عملكرد سازمان نيابت‏

 از مطالعه‏ي شواهد موجود براي شناسايي گستره‏ي جغرافيايي نظارت ساختار رهبري كننده‏ي شيعه در دوران غيبت صغري‏ درمي‏يابيم كه گوشه و كنار سرزمين‏هاي شيعه‏نشين آن روز به وسيله‏ي اين شبكه‏ي پنهاني با مركز رهبري كننده‏ي آن در بغداد و سامراء ارتباط داشته‏اند. بنا بر شواهد موجود، فهرستي از سرزمين‏هاي زير پوشش اين سازمان، از اين قرار است:

 1) جزيرة العرب شامل: مدينه، مكّه، يمن و بحرين.

 2) عراق شامل: كوفه، بغداد، سامراء، مدائن، قُراء سواد، واسط، بصره، نصيبين و موصل.

 3) شمال آفريقا شامل: مصر و مغرب.

 4) ايران شامل: قم، آوه (آبه)، ري، قزوين، همدان، دينور، قرميسين، آذربايجان، اهواز.

 5) خراسان و ماوراء النهر شامل: بيهق، نيشابور، مرو، بلخ، كابل، سمرقند، كش، بخارا و...

 آن سان كه گذشت، نايبان چهارگانه با همكاري و همراهي شماري دستيار و وكيل، جريان هدايت و رهبري شيعه در دوران حيرت يا غيبت را به پيش مي‏بردند. نخستين سفير ناحيه‏ي مقدسه با هم‏ياري سه وكيل برجسته در بغداد، كار خود را در دوران حسّاس و سرنوشت ساز آغاز غيبت صغري‏، انجام داده است. نام سه تن دستيار او عبارت است از: ((احمدبن اسحاق اشعري قمي))، ((حاجزبن يزيد وشّاء)) و ((محمدبن احمدبن جعفر قطّان قمي)).(40) البته فرزند وي؛ يعني ((محمدبن عثمان عمري)) نيز در كنار پدر به فعاليت مشغول بوده است. با مرگ سفير اوّل و جانشيني پسرش، همان دستياران پيشين در كنار دومين سفير، به فعاليت خود، ادامه دادند. گويا اين دستياران در دوران بلند مدت نيابت سفير دوّم بدرود حيات گفته‏اند. سفير دوّم نيز براي پيشبرد امور، دستياران ديگري براي خود برگزيد و با كمك آنان، كار نظارت بر سازمان و ارتباط با وكيلان سرزمين‏هاي ديگر را اداره مي‏كرد. بنا بر تصريح شيخ طوسي، در بغداد ده نفر وكيل زير نظر سفير دوّم و براي انجام دستورهاي او مشغول به كار بودند.(41)

 ((حسين بن روح نوبختي)) كه پس از درگذشت سفير دوّم، به فرمان ناحيه‏ي مقدّسه، عهده دار مقام نيابت شد، خود يكي از كارگزاران سفير دوّم بوده است. در روزهاي پاياني زندگي سفير دوّم، براي اين كه شيعيان با حسين بن روح بيشتر آشنا شوند، امور نيابت به ويژه دريافت وجوه شرعي، بيشتر به وي سپرده شده بود.(42)

 با آغاز نيابت ابن روح، دستياران سفير دوّم هم‏چنان در كنار سفير سوّم به فعاليت ادامه دادند. يكي از دستياران برجسته‏ي ابن روح، كه حتي در دوران زنداني بودن وي، به عنوان اداره كننده‏ي امور، ايفاي نقش مي‏كرد، ((ابوجعفر محمدبن ابي العزاقر)) معروف به ((شلمغاني)) بود. وي بعدها به دليل سوء استفاده از منصب و جايگاه خويش و بيان برخي عقيده‏هاي ناصواب مانند عقيده‏ي ((حلول))، از سمت خود عزل شد و به لعن ناحيه‏ي مقدسه، دچار گشت.(43)

 نام دستياران سفير چهارم، به دست ما نرسيده است، ولي مي‏توان حدس زد كه برخي از دستياران سومين سفير، پس از درگذشت وي، هم‏چنان در پست خود به كار مشغول بوده‏اند.

 افزون بر كارگزاران و معاونان برجسته‏ي سفيران كه معمولاً در بغداد يا شهرهاي پيرامون آن زندگي مي‏كردند. وكيلان ساكن در ديگر سرزمين‏هاي شيعه نشين نيز در خدمت نايبان چهارگانه و زير نظر آنان مشغول فعاليت بوده‏اند. ره‏آورد بررسي مفصّل در منابع رجالي و روايي، يافتن نام چهل تن از اين وكيلان بوده است. برخي از آنان عبارتند از: حسن بن نضر قمي، أبوصدام، ابوعلي محمدبن احمدبن حمّاد مروزي محمودي، جعفربن عبدالغفار، ابوالحسين محمدبن جعفر اسدي رازي، محمدبن شاذان بن نعيم نيشابوري، قاسم بن علاء آذربايجاني، حسن بن قاسم بن علاء آذربايجاني، علي بن حسين بن علي طبري سمرقندي، ابومحمّد جعفربن معروف كشي، بسّامي، عاصمي، ابوجعفر محمدبن علي شلمغاني،ابوالقاسم حسن بن احمد، ابوجعفر محمدبن احمد زجوزجي، ابوجعفر محمدبن علي اسود، محمّد بن عباس قمي، احمدبن متّيل قمي، ابوعبداللَّه بزوفري، ابو علي محمدبن ابي‏بكر همام بن سهيل كاتب اسكافي، ابومحمّد حسن بن علي جناء نصيبي و... .

 بدين ترتيب، نايبان چهار گانه با هدايت فعاليت‏هاي سازمان پر سابقه‏ي وكالت، در دوران غيبت صغري‏، توانستند راه ارتباطي مطمئن و كارگشايي بين ناحيه‏ي مقدسه و شيعيان سرزمين‏هاي گوناگون باشند و از آن به بهترين روش براي حفظ سازمان رهبري جهان تشيع در اين دوره‏ي حسّاس و سرنوشت ساز، بهره جويند.

 بنابراين، شناخت دقيق فعاليت‏هاي نايبان چهارگانه، گستره‏ي كار آنان و چگونگي رهبري جامعه‏ي شيعه در دوران هفتاد ساله‏ي غيبت صغري‏، بدون توجه به پيشينه‏ي پيدايش و فعاليت‏هاي شبكه‏ي ارتباطي وكالت در دوره‏هاي پيشين، ممكن نخواهد بود. سازمان نيابت، ادامه‏ي فعاليت شمار بسياري وكيل و سروكيل بود كه پس از زمان امام صادق‏عليه السلام، با دقت و نظم فراوان، گردش امور را در سرزمين‏هاي شيعه نشين به دست گرفته و خط ارتباطي بين شيعيان و مراكز استقرار ائمه‏عليهم السلام را در مدينه، بغداد، مرو و سامراء حفظ كرده بودند.

 با درگذشت سفير چهارم و صدور توقيعي از سوي ناحيه‏ي مقدسه خطاب به وي - چند روز پيش از وفاتش - او موظّف شد كه ديگر براي به دست‏گيري جريان سفارت و نيابت، جانشيني برنگزيند و در همان توقيع، پايان دوران غيبت صغري‏ و آغاز دوران غيبت كبرا (غيبت تامّه) اعلام گرديد.

 با پايان يافتن دوران غيبت صغري‏ و با درگذشت آخرين رهبر شبكه‏ي وكالت و نيابت (سفير چهارم)، دوران فعاليت سازمان وكالت پس از دو قرن تلاش به پايان رسيد و سازمان فقاهت در طول دوران غيبت كبرا، ادامه دهنده‏ي راه سازمان وكالت تا عصر حاضر گشت.

 پي‏نوشت‏ها:

1) كمال الدين و تمام النعمة، محمدبن علي بن بابويه قمي، ملقّب به شيخ صدوق، به تصحيح: علي اكبر غفاري، قم، انتشارات جامعه‏ي مدرّسين، 1416 ه.ق، ص 476.

2) الغيبة، ابوجعفر محمدبن حسن طوسي، ملقّب به شيخ طوسي، بيروت، دارالكتاب الاسلامي، 1412 ه.ق ، ص 216.

3) همان، ص 210.

4) مكتب در فرآيند تكامل، سيد حسين مدرسي طباطبايي، ترجمه: هاشم ايزد پناه، ايالات متحده، نيوجرسي، نشر داروين، 1374 ه.ش، ص‏15؛تاريخ سياسي غيبت امام دوازدهم(عج)، جاسم حسين ، ترجمه: سيد محمّد تقي آيت اللّهي، تهران، امير كبير، 1367 ه.ش، ص 134؛

5) تاريخ سياسي غيبت امام دوازدهم(عج)؛ ص 137؛ مكتب در فرآيند تكامل، ص 22؛ رجال نجاشي، ابوالعباس احمدبن علي نجاشي، قم، داوري، بي تا، ص 243؛ رجال كشي، ابوعمرو محمدبن عمربن عبدالعزيز كشي، انتخاب و تلخيص: شيخ طوسي، به تصحيح: حسن مصطفوي، دانشگاه مشهد، 1348 ه.ش، ص 513، ح 991 - 992، و ص 549، ح 1038.

6) الكافي، ابوجعفر محمدبن يعقوب كليني رازي، تصحيح: علي اكبر غفاري، تهران، 1377 ه.ش، ج 1، ص 417، ح 4.

7) الغيبة، ص 170؛ كمال الدين و تمام النعمة، ص 487.

8) بحار الانوار، علاّمه محمدباقر مجلسي، تهران، 1376 ه.ق به بعد، ج 51، ص 300.

9) همان.

10) همان.

11) الغيبة، ص 244.

12) همان، ص 245؛ رجال كشي، ص 438؛ بحار الانوار، ج 51، ص 367.

13) الغيبة، ص 214؛ مكتب در فرآيند تكامل، ص 96.

14) الغيبة، ص 245.

15) همان، ص 256.

16) همان، ص 255.

17) همان، صص 246 - 247.

18) همان، صص 187 و 251 - 252.

19) بحار الانوار، ج 51، ص 300.

20) الغيبة، ص 245.

21) همان، صص 214، 217، 228، 245؛ كمال الدين و تمام النعمة، ص 489.

22) رجال شيخ طوسي، نجف، مكتبة الحيدرية، 1380 ه.ق، ص 496؛ الغيبة، ص 257؛ تنقيح المقال، علامه مامقاني، نجف، مكتبة المرتضوية، 1357 ه.ق، ج 2، ص 92، از ابواب فاء.

23) بحار الانوار، ج 51، ص 303.

24) الغيبة، ص 178.

25) همان، صص 170 و 192.

26) همان، صص 174 و 187؛ رجال كشي، ص 450.

27) همان.

28) كمال الدين و تمام النعمة، صص 382 و 407.

29) الغيبة، صص 184، 185 و 197؛ الارشاد، شيخ مفيد، بيروت، مؤسسة الاعلمي، 1410 ه.ق، ص 332.

30) الغيبة، صص 241 - 242.

31) كمال الدين و تمام النعمة، ص 502؛ الغيبة، ص 179.

32) الغيبة، ص 192.

33) كمال الدين و تمام النعمة، ص 503.

34) تاريخ سياسي غيبت امام دوازدهم(عج)، ص 134.

35) كمال الدين و تمام النعمة، ص 503.

36) الغيبة، ص 236.

37) همان، ص 240.

38) بحار الانوار، ج 51، ص 310.

39) براي نمونه ر. ك: جريان گزينش محمّد بن ابراهيم بن مهزيار اهوازي به وكالت در الغيبة، ص 170؛ جريان گزينش حسن بن قاسم بن علاء آذربايجاني به وكالت در الغيبة، ص 191 و الخرائج و الجرائح، قطب الدين راوندي، تحقيق: مؤسسة الامام المهدي (عج)، قم، ه. ق، ج 1، ص 467.

40) تاريخ سياسي غيبت امام دوازدهم(عج)، ص 149.

41) الغيبة، ص 227.

42) همان، صص 223 و 227.

43) همان، صص 183 و 248.